

راه کارهای تحکیم وحدت اسلامی از نگاه امامان شیعه

علی آقانوری

فصلنامه هفت آسمان، ش ۳۰، تابستان ۸۵



چکیده: مقاله حاضر درصدد یافتن راه کارهایی از بیانات و سیره معصومین برای تحکیم مبانی وحدت اسلامی است. و به مواردی چون احادیث وارده در فضیلت نماز جمعه و احادیث حسن خلق و اخلاق معاشرت و شرکت ائمه در مراسم حج و... استدلال جسته است. و کشودن باب اجتهاد و تأویل از سوی ائمه را هدفی برای این مهم دانسته است.

وحدت اسلامی و همزیستی دینی و مسالمت آمیز مسلمانان یکی از اولویت های دینی و از دغدغه های اصلی و همیشگی اهل بیت علیهم السلام بوده است. از این رو، امامان با ارائه راه کارها، برنامه ها و بیان مبانی فکری این فریضه اسلامی، به تقویت و ترویج آن پرداخته و تمامی تلاش خود را در جهت تقویت بنیان های امت واحده اسلامی به کار بردند. این که آنان تا چه اندازه توفیق حاصل کردند سخن دیگری است، اما به طور مسلم همبستگی اجتماعی و دوری جامعه دینی، از تنازعات بی حاصل، می توانست از مهم ترین آثار توجه به تلاش آن بزرگان باشد. شایسته ذکر این که حذف اصل رقابت و اختلاف و تنوع فکری از جامعه نه مطلوب و مدنظر آنان و نه اساساً امری ممکن بود. وظیفه رهبران دینی اقتضا داشت که بسترها و راه کارهای مناسب و لازم برای داشتن جامعه ای سالم، هم دل و همراه، هر چند با اجتهادات و معتقدات فقهی و کلام مختلف، فراهم آید. امامان وجهه همت خود را به این هدف معطوف کرده بودند.

بازتاب اندیشه ۸۰

۵۵

راه کارهای
تحکیم
وحدت اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

این مقاله در پی این است که مهم‌ترین برنامه‌های راهبردی و راه کارهای مورد اهتمام امامان را در راه احیا و استحکام اصل اخوت و همبستگی اجتماعی مسلمانان گزارش کند.

۱. تأکید بر حضور و همگامی در عبادات، مراسم و مناسک اجتماعی مسلمانان:

الف) نماز جماعت: در مجموعه روایی جامع احادیث الشیعه بابی به نام «فضل الجماعه و تاکد استحبابها فی الفریض...» آمده و در آن روایات فراوانی از امامان شیعه درباره اهمیت و جایگاه نماز جماعت و حتی ترجیح آن بر فضیلت اول وقت گزارش شده است (معزی، جامع احادیث الشیعه، ج ۷، صص ۲۶۴ - ۲۸۵).^۱ این در حالی است که امامان جماعت نیز نوعاً از مخالفان فکری و بعضاً معاندان اهل بیت بوده‌اند. از طرف دیگر، از الزام و اجبار دستگاه خلافت نسبت به حضور اهل بیت و پیروان آنها در نماز جماعت، گزارشی وجود ندارد.... از لسان غالب این روایات و نیز برخی از روایاتی که در صحیح بودن آنها نیز تردید نشده، به روشنی استفاده می‌شود که، چنین حرکتی نزد آنان شیوه‌ای ثابت و مطلوب فی نفسه بوده و نه صرفاً به خاطر مصلحت‌اندیشی ظاهری یا ملاحظات زمانی. آنچه برای آنها مهم بوده این‌که هیچ یک از مسلمانان نباید خود را تافته‌ای جدا یافته از دیگر مسلمانان بدانند....

پاسخی کلی تر این‌که بنا بر روایتی در کتاب فقه الرضا امام علیه السلام در دستوری کلی فرمود: «ولا تصل خلف احد الا خلف رجلین احدهما من تثق به و تدین بدینه و ورعه و آخر من تتقی سیفه و سوطه و شره و بوائقه و شمنه فصل خلفه علی سبیل التقیه والمداراة» (معزی، همان، ج ۷، ص ۲۹۶). در این روایت سخن از مطلق فرد مطمئن و متدین و پرهیزکار است و از گرایش مذهبی سخنی به میان نیامده و ظاهراً تقیه نیز تقیه سیاسی و موارد تقیه سیاسی را نیز باید از کسانی بدانیم که علاوه بر مخالفت فکری در زمره دشمنان سیاسی و معاندان با اهل بیت نیز بوده‌اند. از این رو، می‌توان آن دسته از مخالفان مذهبی ائمه علیهم السلام را که سر در آخور سیاست بازان اموی و عباسی نداشته و از نظر عملی تقوی و ورع داشتند، در زمره متدینان و افراد موثق به حساب آورد؛ این ادعا نیز بعید نیست که طرح موضوع تقیه از سوی امامان علیهم السلام گاهی به خاطر اسکات اصحاب تندرو بوده نه بر مبنایی مذهبی....

بازتاب اندیشه ۸۰

۵۶

راه کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

ب) نماز جمعه و عیدین: امامان شیعه عموماً مشوق حضور مردم، و بیش از آن اصحاب و منسوبان به خود در این مراسم عبادی، اجتماعی بودند. وجود صدها حدیث نبوی و علوی از

۱. البته این کتاب‌ها تنها تعدادی از احادیث را گزینش و گزارش کرده؛ برای اطلاع از احادیث فراوان نبوی درباره نماز جماعت رک: کنز العمال، ج ۷، صص ۵۸۶-۵۵۲.

آن بزرگان، درباره اهمیت، اجر و ثواب و فضیلت و چگونگی اجرای آن، که در جوامع حدیثی گزارش شده، گواه بر این اهمیت است.... مهم تر این که بر حکام سیاسی نیز فرض می دانستند که زندانیان را برای حضور به نماز جمعه بیاورند. بنابر یک گزارش، امام باقر علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: آیا مثل تو باید بمیرد و در فریضه ای شرکت نکرده باشد و وقتی صحابی از وی پرسید چه کنم، امام فرمود در نماز جمعه شرکت کن....

با این حال در مجموع می توان گفت تأکید ائمه بر شرکت همه مسلمانان در نماز جمعه و تلاش آنان در جلوگیری از تعطیلی آن، هر چند با امامت مخالفان، بر دیگر ادله حاکم است.... به ویژه اینکه متوجه باشیم حجم زیادی از روایات مربوط به نماز جمعه از صادقین رسیده و این دو بزرگوار در زمان اوج فشارهای حاکمان اموی و عباسی می زیستند.

۲. معاشرت نیکو و مدارا با مخالفان:

توصیه فراوان امامان بر برادری دینی و همزیستی اجتماعی با پیروان مذاهب مختلف نیز در موارد و قالب های مختلفی گزارش شده است.^۱...

در مجموع تلاش پیوسته اهل بیت در رشد و تقویت بنیان های اخلاقی و حفظ برادری ایمانی (اعم از مداراتی و موالاتی) را می توان از اساسی ترین راه کارهای درس برادری و همبستگی میان مسلمانان به حساب آورد. آن بزرگان اگرچه با دیگران در فهم شریعت اختلاف داشتند، اخلاق و ادب برادری و مسلمانی را زیرپا نمی گذاشتند و در سلوک اجتماعی آنان از تنگ نظری، سخت گیری، درشت خوئی و ناسزاگویی هیچ خبری نبود. شاید بنابر پاره ای از دیدگاه ها، (به ویژه مخالفان تقریب) تأکید آن بزرگان به شرکت و همگامی با مخالفان در جمعه و جماعت و مظاهر عبادی اسلام را، امری موقتی و به منظور برخی از ملاحظات زمانی به حساب بیاوریم، اما چنین تحلیلی درباره این مهم، که بن مایه تلاش و رسالت امامان را به خود اختصاص داده بود، غیر قابل قبول می نماید.

۱. علاقه مندان می توانند به منابع روایی چون جلد ۱۶ تا ۲۰ جامع احادیث الشیعه یا حدیث به احادیث «کتاب العشره» آن مراجعه کنند. در این کتاب روایات فراوانی از اهل بیت نقل شده که در آنها به رعایت اصول اخلاقی نظیر رفق، مدارا، حلم، حسن خلق، چشم پوشی از عیوب دیگران، خیر خواهی و اهتمام به امور تمام مسلمانان و ده ها دستور اخلاقی دیگر تأکید شده است. مسلم است که اولین نتیجه پایبندی افراد جامعه اعم از شیعی و سنی به این تعالیم وحدت و همدلی مسلمانان است؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از موارد و تقسیم بندی این دسته از روایات رک: طباطبایی، سیدمحمدکاظم، وفاق اجتماعی در سخن معصومان و سیره امام علی، ترجمه علی نصیری.

الف) خوش خلقی و ملایمت: احادیث اهل بیت دربارهٔ خوش خلقی، خوش رویی، مهرورزی، ملاطفت و ملایمت و نگاه احترام‌آمیز به دیگران فراوان است. جالب توجه این‌که در بسیاری از آنها به آثار مثبتی چون جلب محبت، هدایت‌پذیری بهتر، فراوانی دوستان، ایجاد پیوند و وحدت بیشتر در میان جامعهٔ ایمانی نیز اشاره شده است....

ب) پرهیز از پرخاشگری و ناسزاگویی: ائمه علیهم‌السلام همواره تلاش می‌کردند در برخورد هدایت‌گرایانه با دیگران از پرخاشگری و ناسزاگویی، حتی نسبت به دشمنان آشکار اسلام پرهیزند. از طرف دیگر اصحاب خود را نیز از هرگونه خشونت در گفتار و سب و لعن که طبعاً موجب شعله‌ور شدن تنازعات و تعصبات مذهبی می‌شد، برحذر می‌داشتند....

در تحریم هرزه‌گویی و بدزبانی نسبت به دیگران، روایات زیادی از دیگر اهل بیت نیز رسیده است. جالب توجه این‌که هیچ موردی از ناسزاگویی و فحش توسط آنان حتی نسبت به سرسخت‌ترین مخالفان گزارش نشده است. در کتاب جامع احادیث الشیعه بابی با عنوان تحریم سب و فحش و بی‌مبالاتی در سخن باز شده و در آن ده‌ها حدیث نبوی و علوی در نهی و مذمت از این عمل گزارش شده و در برخی از آنها عملی شیطانی و منافقانه به حساب آمده است. آن بزرگان همچنین هیچ‌گاه ناسزاگویی به مخالفان و دشمنان سرسخت خود را با ناسزاگویی پاسخ نمی‌دادند و اگر از اصحاب آنان نیز حرکاتی نظیر سب و لعن و فحش سر می‌زد، آنان را سرزنش می‌کردند (الکافی، ج ۲، ص ۳۲۶)....

ج) توجه به عواطف مذهبی: حجم زیادی از کشمکش‌های شدید فرقه‌ای و واگرایی در جوامع دینی را می‌توان معلول بی‌احترامی و عدم توجه متقابل گروه‌ها به باورها و مقدسات و در نتیجه تحریک عواطف و احساسات مذهبی یکدیگر دانست.

در زمان حضور امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کوفه، کسانی نزد آن حضرت آمدند و برای نماز تراویح [یعنی نمازهای مستحبی شب‌های ماه مبارک رمضان که در زمان خلفای قبلی وضع شده بود] درخواست امام جماعت کردند. امام علیه‌السلام آنان را از اقامهٔ چنین نماز جماعتی نهی فرمود. اما آنان شبانگاه شعار «ابکوافی رمضان»، «وارمضاناه» سر دادند. حارث‌اعور و جمعی دیگر نزد امام علیه‌السلام آمدند و گفتند مردم سر و صدای راه انداخته و از برخورد شما ناراحتند. امام علیه‌السلام فرمود: «دعوه‌م و ما یریدون، لیصلی بهم من شأؤوا» (تفسیر العیاشی، سورة النساء، ح ۲۷۲) شبیه این گزارش در جای دیگری نیز نقل شده است (بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۸۱، ح ۹۸۱)....

بازتاب اندیشه ۸۰
۵۸
راه‌کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

جالب تر این که هنگامی که یکی از اصحابش از وی پرسید چگونه قومتان شما را از این مقام (خلافت) باز داشتند، در حالی که از دیگران سزاوارتر بودید، امام علیه السلام سخن آن مرد را سرزنش کرده، می فرماید «تو مردی پریشان و مضطربی که نابه جا پرسش می کنی، ولیکن تو را حق خویشاوندی است و حقی در پرسیدن داری و بی گمان طالب دانستن پس بدان که: برتری جویی آنها بر ما، با وجود شرافت خانوادگی و خویشاوندی ما نسبت به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای این بود که مقام خلافت مطلوب و محبوب است. قومی بخل ورزیدند (و آن را تصاحب کردند) و قومی سخاوت کردند (از آن گذشتند). حاکم خداست و بازگشت همگان در قیامت به سوی اوست....»

امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام نیز اگر چه به نامهربانی های گذشتگان نسبت به آل محمد اشاره می کنند اما از ذکر جایگاه، سابقه و فضایل خلفای نخستین نسبت به دیگر خلفا تحاشی نداشته و حتی به سابقه آنها در اسلام و فضایل آنها اشاره و برای آنها طلب رحمت می کنند (مقاتل الطالین، ص ۶۵-۷۳؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۴، ۳۴؛ نجم الدین طبری، امام حسین در مکه مکرمه، ترجمه عبدالحسین بینش، ج ۲، ص ۲۳).... در اینجا تنها به موردی از آن (احترام شیخین) که، بیشتر از همه مورد توجه و گاهی نیز اسباب بهانه جویی مخالفان در آن زمان بود، اشاره می شود. هنگامی که در یکی از محافل مناظره، نزد امام جواد علیه السلام از فضایل خلفا آن هم با تکیه بر احادیث نبوی، سخن به میان آمد، امام علیه السلام ضمن اشاره به وجود احادیث جعلی در باب فضایل و اثبات بی پایگی آنها تلاش داشت تا احترام خلفای نخست را نیز حفظ کند.

یحیی از حدیث «ان السکینه تنطق علی لسان عمر» سؤال کرد امام فرمود: من منکر فضل عمر نیستم، اما ابوبکر که افضل از وی بود، بالای منبر می گفت «ان لی شیطانا یعتزنی، فاذا ملت فسددونی».

۳. ملاحظه اختلاف افکار و توانایی های افراد:

به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع افکار، طبایع و سلیق بشری را باید نخستین و چه بسا مهم ترین گام و مبنای وحدت طلبی به شمار آورد. از این رو امامان همواره اصحاب خود را به این نکته توجه می دادند که نمی توان از همگان در فهم، پذیرش و عمل به حقایق و دستورات مذهبی انتظار یکسان داشت؛ چرا که اساساً اختلاف افکار و سلیق و طبایع بشری قانون خداوند و ناموس طبیعت است. اهتمام آن بزرگان به این آموزه صریح قرآنی را می توان

در تفهیم‌پندی آنان از مجموعه افراد بشر و نیز توجه دادن به تفاوت درجات ایمان و درک مؤمنان و حتی موافقان مذهب به وضوح دریافت. حتی با توجه به تصریح این روایات، هیچ توجیهی برای تحمیل عقیده باقی نمی‌ماند. (برای اطلاع بیشتر رک: کلینی، الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر باب درجات الایمان، ص ۴۲ به بعد؛ حرّ عاملی، همان، ج ۱۱، ص ۴۲۹؛ معزی، همان، ج ۱۸، ص ۳۱۳).

الف) پرهیز از تحمیل عقیده: در جوامع حدیثی شیعه احادیث متعددی از امامان گزارش شده مبنی بر اینکه با مردم به اندازه فهم و عقلشان سخن بگویند و عقیده‌ای را که حق می‌دانید و فراتر از طاقت آنهاست بر آنها تحمیل نکنید. در کتاب جامع احادیث، الشیعه جلد هجدهم در «باب ماورد فی کتم الدین عن غیراهله مع التقیه و حدیث الناس بما یعرفون و ترک ما ینکرون» نزدیک به صد حدیث از امامان در این باره گزارش شده است.

ج) پرهیز از تکفیر: پرهیز از تکفیر و تفسیق‌های ناب‌جای مسلمانان و صاحبان فرق اسلامی، یکی از روشن‌ترین نتایج و لوازم پذیرش اختلاف افکار و تعدد برداشت‌ها است. پدیده تکفیر عموماً برخواسته از تنگ‌نظری، بدبینی، مطلق‌اندیشی و جهل به معتقدات و مبانی اندیشه دیگران بوده و به جامعه و فرهنگ اسلامی بیشترین زیان را می‌رساند.

امامان شیعه با گشودن باب اجتهاد و تأویل و جلوگیری از تنگ‌نظری و بدبینی نسبت به مخالفان و پرهیز دادن از خودخواهی و استبداد در رأی و تأکید بر معامله مسلمانان با مخالفان مذهبی، تلاش داشتند که از رواج چنین آفتی جلوگیری کنند. بنابه حدیثی از امام علی علیه السلام، کمترین چیزی که موجب کفر می‌شود این است که، فردی برداشت‌های دینی و پندار خود را مطلق انگاشته باشد و عین دین بداند و به دیگر سخن اعتقاد خود را معبود قرار دهد و حال آن‌که در واقع شیطان را عبادت می‌کند. (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵).

● اشاره

در مقاله حاضر هر چند در پی ترسیم مبانی وحدت‌طلبی میان مسلمانان است، ولی نباید این کار با تحریف واقعیات صورت پذیرد و متأسفانه در این مقاله انحرافات و مطالب خلاف واقع فراوانی به چشم می‌خورد؛ که با اصول و مسلمات اسلام و مذهب تشیع و آموزه‌های اهل بیت سازگار نمی‌باشد به موارد مهمی از آنها اشاره‌ای می‌شود:

۱. احتجاجات متعددی که هر کدام از ائمه معصومین در متون تاریخی و حدیثی ذکر شده، همه بیانگر این است ائمه در پی اثبات حقانیت خود و بطلان فرق دیگر بوده‌اند. و هرگز نمی‌توانیم با مقام عصمتی که برای حضرت زهرا و علی علیهما السلام و سایر معصومین قایل

بازتاب اندیشه ۸۰

۶۰

راه‌کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

هستیم تلاش‌های آنان را جزو تنازعات بی‌حاصل قلمداد کنیم. و هرگز تنوعات فکری و فرقه‌گرایی و جبهه‌گیری در برابر مکتب حق، مورد تأیید امامان نبوده و هیچ‌گاه آن‌را تأیید نکرده‌اند. و تلاش ائمه پیوسته در حذف و از بین بردن فرقه‌ها و برداشت‌های باطل بوده است.

۲. این پیامبر خاتم بود که شیعیان علی علیه السلام را تافته جدا بافته از دیگران دانست و خطاب به علی علیه السلام فرمود: تو و شیعیانت رستگاران و خیرالبریّه هستید.

۳. در باب نماز جماعت با مخالفین مذهبی و اعتقادی، چند دسته روایت از معصومین رسیده است که بدون در نظر گرفتن همه آنها، نظر دادن حاکی از عدم اطلاع از مبانی مذهب می‌باشد.

الف) دسته اول روایاتی که ترغیب به نماز جماعت خواندن با مخالف و ثواب آن‌را بیان می‌کند.^۱

ب) روایاتی که دلالت بر مشروعیت نماز خواندن همراه آنان، بدون اکتفا کردن به آن نماز دارند.^۲

ج) روایاتی که دلالت بر عدم جواز اقتداء به کسی که معتقد به ولایت نمی‌باشد مگر در صورت تقیه.^۳

به عنوان نمونه اسماعیل جعفری گوید به امام باقر گفتیم: مردی است علی علیه السلام را دوست دارد و لکن از دشمنانش تبری نمی‌جوید و می‌گوید: علی علیه السلام نزد من از مخالفینش محبوب‌تر است. حضرت باقر علیه السلام فرمودند: او حق را با باطل مخلوط کرده و دشمن است و فلا تصلّ خلفه ولا کرامه الا ان تقیه.^۴

د) روایاتی که حکم می‌کند که در صورت نماز خواندن پشت سر مخالف تقیه قرائت نمازتان را خودتان بخوانید.^۵ و روایاتی دلالت می‌کند که بایستی انسان به وظیفه منفرد عمل کند^۶ و حدیث چهارم از آن باب می‌گوید: علی علیه السلام بعد از حضور در نماز جمعه خلفا، نمازش را اعاده می‌کرد. و احادیث متعدد دیگر در باب.

اما دسته اول از احادیث در آنها دلالتی بر نحوه اقتدا به مخالف بیان نشده است و از این جهت اطلاق دارد. و دلالتی بر مطلب ندارد. و استناد بر این‌گونه احادیث در مسأله، بدون در نظر گرفتن احادیث دیگر میسر نمی‌باشد. در حدیث امام رضا علیه السلام که خود ایشان آورده و لکن معنی روایت را نفهمیده بر همین مطلب تأکید دارد. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: لاتصل خلف

۱. رک وسایل، ج ۸، ص ۳۹۹، باب ۵، ح ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ص ۴۳۰، ح ۱

۲. رک وسایل، ج ۸، ص ۳۰۲، باب ۶، ح ۱، ۵، ۶، ۸، ۹

۳. رک وسایل، ج ۸، ص ۳۰۹، باب ۱۰، ح ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۱۱، ۱۵، ۴. رک وسایل، ج ۸، ص ۳۰۹

۵. رک وسایل، ج ۸، ص ۳۶۳، باب ۳۳، ح ۱، ۲، ۴، ۶، ۹، ۱۱، ۳، ۷، ص ۴۰۵، ح ۲

۶. رک وسایل، ج ۷، ص ۳۴۹، باب ۲۹، ح ۱

احد الا خلف رجلين احدهما من تثق به و تدین بدینه و ورعه و آخر من تثقی سیفه و سوطه و شره و بواتقه و شنته فصل خلفه علی سبیل التقیة و المدارة^۱ یعنی نماز جماعت را پشت سر یکی از دو نفر بخوان:

اولاً: مردی که او را ثقه می‌دانی، و بر دین و اعتقاد او هستی و با تقوا است. و ثانیاً مردی که از شمشیر و تازیانه... او می‌ترسی پس بر سبیل تقیه بر پشت سر او نماز بخوان. اما این که ایشان از روایت فوق برداشت می‌کند که، در روایت سخن از مطلق فرد مطمئن و متدین و پرهیزکار است و از گرایش مذهبی سخن به میان نیامده، اتفاقاً لفظ «تدین بدینه» حاکی از اعتقاد وی است. که با تو در اعتقاد به ولایت شریک باشد. و این قید به جهت اخراج مخالفین اعتقادی است نه مشرکین و کافرین. روایتی هم که قبلاً آوردیم حاکی از این بود که حتی اگر مردی اهل بیت را دوست دارد و لکن از دشمنان آنان تبری نمی‌جوید در سلک اهل باطل است و هرگز نماز پشت سر وی جز برای تقیه روا نمی‌باشد.

۴. چنانچه قبلاً گذشت احادیثی که در فضیلت عملی وارد شده، بیانگر فضیلت آن عمل است. بیانات ائمه در بیان فضل نماز جمعه، ناظر به ظرف زمانی خاصی نیست که بگوییم؛ پس نماز جمعه‌هایی که در آن عصر بود مورد تأیید امام بود.

لذا احادیث دیگری در بیان شرائط نماز جمعه وارد شده که می‌گوید نماز جمعه زمانی واجب است که امام معصوم یا نائیش آن را اقامه کند.^۲ روایت استبصار هم نمی‌گوید: در نماز جمعه شرکت کن. متن روایت این‌که: صلوا جماعة [یعنی صلاة الجمعة] به جماعت نماز خوانید. که در شرح روایت آمده یعنی نماز جمعه بخوانید. ممکن است بگوییم امام ایشان را امر می‌کند به همراه دیگر شیعیان به صورت مخفیانه نماز جمعه اقامه کنند. لذا فرمود: صلوا و به صیغه جمع آورد. بیان ثواب حرکت به سوی نماز جمعه هم دلالتی بر ادعای ایشان ندارد. علاوه بر اینها دستور حضرت بر شرکت در نماز جمعه، به خاطر شدت فشار حکومت بر شیعیان و شدت تقیه بوده در نقل‌های متعددی آمده:

برای منصور جاسوسانی در مدینه بود که در پی شناسایی شیعیان امام صادق بودند و هر کدام از شیعیان را می‌شناختند او را گردن می‌زدند.^۳ روایات دیگر حاکی از این است شدت فشار بر شیعیان به قدری بود که، حتی شیعیان بدون اعتنا به همدیگر از کنار هم رد می‌شدند و اتهام رفض (شیعه) درباره هر کس کافی بود که امنیت جانی و مالی او از بین

بازتاب اندیشه ۸۰

۶۲

راه‌کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
اسامان شیعه

۱. رک، جامع الاحادیث، ج ۷، ص ۳۱۱ و باب عدم جواز الصلاة خلف المخالف فی الاعتقادات الصحیحة الاتقیة، ص ۳۰۲-۲۹۳

۲. رک جامع الاحادیث، ج ۶، ص ۴۴۴، باب انه هل یشرط فی وجوب الجمعة حضور الامام او المنصوب من قبله و ص ۴۴۸ باب اشتراط عدالت در امام جمعه و حکم اقتداء به مخالف.

۳. رک رجال کشی، ص ۲۸۲، ح ۵۰۲، کشف الفحوة، ج ۲، ص ۲۲۲، بحار ۴۷، ص ۳۴۳ و...

رفته و گرفتار شکنجه شود^۱ در چنین جو حاکم، امام صادق علیه السلام می‌بایست به هر نحوی که شده بود جمعیت شیعه را، مخفی نگه می‌داشت و آنان را از کشته شدن نجات می‌داد. و تقیه به این جهت بود نه به خاطر اسکات تند روان شیعه، که نویسندۀ مقاله گمان می‌کند، که اگر اندک اطلاعی از تاریخ داشت هرگز چنین قضاوتی نمی‌کرد. اما این که ائمه در تلاش بودند نماز جمعه اقامه شود ولو به امامت مخالفان، ادعایی است بی‌دلیل. روایتی که امر می‌کند بر آوردن زندانیان برای شرکت در نماز جمعه، در مقام بیان حکم مسأله و حقوق زندانیان است و ناظر به زمان خاصی نیست.

۵. آنچه اهل بیت دارند فهم شریعت نیست که با دیگران در فهم شریعت اختلاف داشته باشند، ائمه خزائن علم الاهی هستند و تجلی علم و اوصاف الاهی و شریعت چیز جدایی از فرمایشات آنان نیست. و در تقابل مکتب اهل بیت علیهم السلام با سایر فرق، تقابل حق و باطل است نه برداشت‌های مختلف.

۶. اگر باطل دانستن مکاتب و فرقه‌های باطل تنگ نظری و سخت‌گیری باشد، خدا و رسولش و اهل بیت بنیانگذار آن هستند که تبعیت از اهل بیت را حق و مخالفت با آنان را باطل معرفی کردند. حتی عبادت بدون پذیرش ولایت را بی‌ثمر بیان کردند و تبری از مخالفین اهل بیت را یک فریضه الاهی بیان نمودند. لذا در احادیث متواتر فریقین وارد شده که، هر کس امام بر حق را نشناسد و از وی اطاعت نکند، به مرگ جاهلیت و ضلالت مرده است.

۷. سفارش به اخلاق نیکو و حسن معاشرت به عنوان یک اصل انسانی حتی در برخورد با غیر مسلمین هم رسیده است. پیامبر حق پس از ورود به مدینه با غیرمسلمانان پیمان مسالمت و هم زیستی برقرار ساخت. و لکن سرایت دادن این اصل به مسایل عبادی و اعتقادی هرگز با اصول مذهب سازش ندارد. و خوش برخوردی به معنای سازش و مداهنه در مسایل اعتقادی نیست. و چنین رفتاری با مخالفین اعتقادی زمانی است که امام مبسوط الید نباشد و مخالفین بر علیه مذهب حق فتنه انگیزی نکنند. لکن در صورت تبلیغ مخالفین بر علیه مذهب حقه و مبسوط الید بودن امام، مدارا با مخالفین سفارش نشده است؛ لذا پیامبر پس از آن که یهود مدینه بر علیه اسلام فتنه انگیزی کردند، بشدت با آنان مقابله کرد. لذا ما هرگز در اسلام اصلی به عنوان مداهنه بر سر مذهب و اعتقادات نداریم.

۸. برائت و تبری از مخالفین و اهل باطل از یکی از فروع دین می‌باشد که لعن از مظاهر و ثمرات برائت قلبی است، نه تنها با مقام هدایت‌گری ائمه و خلق نیکو در تعارض نیست، بلکه یکی از مظاهر خلق نیکو است. و قرآن که کتاب تربیتی و کامل‌ترین معارف وحی است،

۱. رک، حیات فکری امامان شیعه، ص ۳۶۰

۲. رک، کافی، ج ۱، ص ۳۹۹، و ص ۳۷۴، باب فیمن دان الله عزوجل بضریر امام من الله

بیش از پنجاه بار کلمه لعن با مشتقاتش در آیات متعددی تکرار شده است (رک سوره بقره، آیه: ۸۸، ۸۹، ۱۵۹ و ۱۶۱؛ آل عمران، ۶۱ و ۸۷؛ اعراف، ۴۴؛ توبه، ۶۸؛ هود، ۱۸ و ۶۰ و ۹۹؛ رعد، ۲۵؛ احزاب، ۵۷ و ۶۴) هدف قرآن از لعن ایجاد صلابت ایمان و ثبات بر جاده حق است و لعن موجب تربیت روحی مؤمن بر قبول حق و رفض باطل است. خداوند که خود پیامبرش را تربیت کرده و به خلق عظیم ستوده است، در جریان مباحله پیامبرش را امر به لعن نصاری می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ که به معرض قرآن کریم اسوه حسنه می‌باشد، در موارد فراوان حتی در قنوت نمازش عده‌ای را لعن کرده است و از این پیداست لعن از افضل عبادت‌هاست که پیامبر در قنوت نمازش برخی از اهل باطل را لعن می‌کند. و سیره ائمه معصومین هم به تبع قرآن و سیره نبوی بر همین استوار بوده که گزارشات فراوانی در این مورد رسیده است.^۱ و امام سجاده علیه السلام در مناجاتش با خدا مخالفین اهل بیت و خلفای غاصب را لعن می‌کنند^۲ و کمتر زیارتی از ائمه می‌توان یافت که از لعن مخالفین اهل بیت خالی باشد. و سیره علمای شیعه هم بر این استوار بوده است. لعن منافاتی با مقام هدایت‌گری ندارد و خدا که تمام هدایت‌ها از اوست در لعن اهل باطل آیاتی فرستاده است. و ما جایی را سراغ نداریم که از لعن مخالفین نهی شده باشد. با در نظر گرفتن مجموع احادیث، لعن و قبری از مخالفین، عمل پسندیده شرع مقدس اسلام است. و در هیچ یک از احادیث کافی که ایشان به آن ارجاع داده‌اند، از لعن مخالفین سخنی به میان نیامده است. آنچه در آن باب آمده نهی از فحش می‌باشد.^۳ متأسفانه ایشان فرق فحش با لعن را متوجه نشده‌اند.

۹. این‌گونه برخورد از اهل بیت علیهم السلام همه به خاطر شدت تقیه بود و ائمه مبسوط‌الید نبودند و الا به حکم احادیث نبوی و اهل بیت علیهم السلام نه تنها با کسی که با اهل بیت لعن و ناسزا می‌گوید می‌بایست برخورد کرد بلکه مهدور‌الدم است و کشتنش واجب و لازم است. و آنان را نجس دانسته‌اند.^۴ آیا در این مورد هم نظر نویسنده مقاله بر نفسی بودن حکم است نه به خاطر تقیه؟ پس می‌بایست در ادامه بگویند: چون علی علیه السلام برای حفظ جان شیعیان در شدت تقیه دستور می‌دهند آن حضرت را سب کنند،^۵ این هم حکم نفسی باشد.

۱۰. امام ولو این که رسالتش هدایت‌گری است، ولی این اقتضا نمی‌کند که از لعن مخالفین پرهیز کند و لعن هیچ تنافی با رسالت امامان ندارد. همان‌گونه که خدا در عین حال که تمام هدایت‌ها از اوست، از لعن خودداری نکرده است. استدلال ایشان به این می‌ماند که کسی گوید: چون خدا ارحم الراحمین است شیطان را عذاب نمی‌کند.

بازتاب اندیشه ۸۰

۶۴

راه‌کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

۱. رک: بحار، ج ۳۰، ص ۱۴۵ به بعد و ج ۳۱ ص ۵۰۷ به بعد و ج ۲۷ ص ۲۱۸ به بعد

۲. رک صحیحۃ السجادیة، دعا ۴۸ ۳. رک: کافی، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۲۳ و صص ۳۶۱-۳۵۹

۴. رک: وسایل، ج ۱، ص ۲۲۰، باب ۱۱ و ج ۲۸، ص ۲۱۱ و ۲۱۵ و جامع الاحادیث الشیعه، ج ۳۰، ص ۵۱۴.

باب ۲۳ چندین روایت در کفر و جوب قتل ساب ائمه نقل و همچنین چندین حدیث در کفر و

محدور‌الدم بودن نواصب ذکر کرده است. رک نهج البلاغه، کلام ۵۷

۱۱. اطلاق مقدسات به باورهای غلط و شیطانی و باطل، با آموزه‌های آیین نبوی در تضاد است و هر آنچه در برابر حق باشد، شیطانی و باطل است و اولین رسالت پیامبران الهی مبارزه با باطل و خرافه‌گرایی است.

۱۲. عدم ممانعت امام از نماز تراویح به خاطر توجه به عواطف مذهبی نبوده است؛ لذا امام آنان را از این کار منع کرد و هرگز این عمل آنان را تأیید نکرد. ای کاش ایشان امانت داری کرده و ادامه حدیث را ذکر می‌کردند که حضرت در ادامه، آیه شریفه ۱۱۵ سوره نساء را تلاوت فرمودند که: [کسی که بعد از آشکار شدن حق با پیامبر مخالفت کند] و از راهی جز راه مؤمنان پیروی کند ما او را به همان راه که می‌رود می‌بریم و به دوزخ وارد می‌کنیم که سرانجام بدی است.^۱ این عمل حضرت، شبیه رفتار پیامبر اکرم ﷺ در برابر مشرکین بود که فرمود: «لَكُمْ دِينُكُمْ و لِي دِينِي»^۲ که هرگز به معنی تأیید عقاید آنان نیست.

۱۳. سرزنش حضرت از مرد اسدی به خاطر این بود که، آنجا محل پرسش این سؤال نبود و طوری نبود که حضرت بتوانند جواب بدهند. لذا حضرت در جواب فرمود: انک لقلق الوضین، و این سخن در برابر کسی گفته می‌شود که ثبات در عقل نداشته باشد و یا در غیر محلتش سؤال کند و جای سخن را نشناسد^۳ به هر حال اگر سرزنشی هم در کلام باشد متوجه سؤال کننده است نه اصل سؤال.

۱۴. در کلمات امام حسن مجتبیٰ و امام حسین هیچ گونه تمجیدی نسبت به خلفای نخستین نیست و آیا در مباحث فقهی و اعتقادی می‌توان به مقاتل الطالیین و شرح نهج البلاغه معتزلی تمسک جست؟ خصوصاً سخنانی که مخاطب آن معاویه است و در اوج تقیه صادر شده؟! و در مقابل روایات زیادی به اسناد صحیح و متعدد در مذمت خلفا از اهل بیت عصمت و طهارت رسیده است.^۴

۱۵. اما استدلال ایشان در ادامه به حدیث احتجاج و مناظره امام جواد با یحیی ابن اکثم در مجلس مأمون، مبنی بر احترام ائمه معصومین بر خلفا تمام نیست؛ چون نه تنها در این مجلس سخنی از امام در تعریف از خلفا نیامده، بلکه امام جعلی بودن تمام احادیثی که آنان بر فضیلت خلفا بدان احتجاج می‌جستند را ثابت می‌کند. این مناظره در شدیدترین وضع تقیه برگزار شده است. علاوه بر این در روایت تمجیدی از خلفا دیده نمی‌شود.

۱۶. قرآن نه تنها صریحاً تنوع مذاهب و اعتقادات را تأیید نکرده، بلکه سرپیچی از اسلام راستین را ضلالت و گمراهی می‌خواند و عقاب اخروی را، بر آنان مقرر ساخته است. تمام تلاش پیامبران و امامان نجات مردم از گمراهی و هدایت به رستگاری بوده و جنگ‌های

۱. رک، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲۷۱ و بحار ج ۳۴، ص ۱۷۱

۲. رک، بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۱۶۸ الی ۱۸۲ باب ۳۲

۳. رک، بحار الانوار، ج ۲۹ - ۳۱

۴. رک شرح نهج البلاغه، ابن میثم، ج ۳، ص ۲۷۴

پیامبر همه در این راستا بوده است. روایاتی که ایشان برای اثبات مدعا بدان تمسک جسته همه در بیان مراتب ایمان است. و هر انسانی که اندک اطلاعی از کلمات اهل بیت داشته باشد، فرق ایمان و غیرایمان را می‌فهمد و اختلاف ظرفیت‌های انسان‌ها در سیر مراتب ایمان است نه مراتب کفر.

۱۷. کتمان حقیقت از غیراهلش اختصاص به حال تقیه دارد نه عموم زمان‌ها و به خاطر جو حاکم در آن زمان که خود روایات هم بر این مطلب دلالت دارد. ای کاش ایشان حداقل به عنوان باب توجه می‌کرد که: باب ماورد فی کتم الدین عن غیراهله مع التقیه... لذا پیامبر پس از اتمام دوران دعوت سری و قدرت یافتن مسلمین حقیقت را، از کسی پنهان نکرد و در پذیرش آن هیچ عذری را نپذیرفت.

۱۸. اگر فاسق شمردن فرق اسلامی منحرف، در نظر نویسنده مقاله تنگ نظری و بدبینی و مطلق‌اندیشی و جهل باشد؛ می‌بایست تمام علمای اسلام و [نعوذ بالله] ائمه معصومین و پیامبر و خدا را نیز در این سلک بیاورد. گشودن باب اجتهاد و تأویل نه تنها مورد تأیید ائمه نبوده، بلکه به شدت در برابر اجتهادات و تأویلات باطل به مبارزه پرداختند. اجتهادی در نظر ائمه مورد تأیید بود که بر اساس قرآن و آموزه‌های مکتب اهل بیت باشد نه اجتهاد بر مبنای قیاس و تأویل و احادیث مجعول. روایتی از امام علی علیه السلام که بدان استدلال نموده نه تنها بر مدعای ایشان دلالت نمی‌کند، بلکه تمام مکاتب غیر از مکتب اهل بیت را باطل و گمراه می‌شمارد.

و عدم شناخت امام زمانش و اطاعت از او را ضلالت و گمراهی می‌شمارد. و استبداد به رأی و عمل بر مبنای خیالات باطل بدون توجه به فرمایشات اهل بیت را کفر قلمداد کرده است، لکن ایشان چون موارد دیگر فقط قسمتی از روایت را نقل کرده است و به ابتدا و ذیل روایت توجه نکرده است. از سوی دیگر سخنی از مطلق‌اندیشی در روایت نیست و معلوم نیست این ترجمه کدام کلمه از روایت است.

آیا انسان بایستی برای اثبات مدعای خود این‌گونه بی‌مبالا باشد.^۱

۱۹. سخن آخر این که اصل وحدت و پرهیز از تفرقه، فراخوان قرآن و دستور اکید رسول خداست؛ لکن وحدت به معنای دست کشیدن از میانی اصیل تشیع نیست و هرگز وحدت نمی‌تواند مانع از بیان حق باشد که اصلی‌ترین آموزه قرآن و مکتب اسلام است. و هرگز وحدت به معنی امتیاز بی‌مورد به طرف مقابل و حق دانستن وی نیست، اگر وحدت این بود امیرالمؤمنین می‌توانست با دادن امتیاز به طلحه و زبیر و معاویه مانع بروز جنگ جمل و صفین باشد.

بازتاب اندیشه ۸۰
۶۶
راه‌کارهای
تحکیم
وحد اسلامی
از نگاه
امامان شیعه

۱. رک، کافی، ج ۲، ص ۴۱۴ و ۴۱۵